موسیقی حروف در قرآن کریم و دیوان منوچهری

ذکایی ساوجی، مرتضی

یکی از ظرایف و بدایع ادبی کاربرد صنعتی در شعر یا کلام است که برخی محققان آن را جناس‏ استهلالی،برخی واج آرایی و برخی دیگر نغمه یا موسیقی حروف گفته‏اند.یکی از شاعران بزرگ که‏ این هنر ادبی را به زیبایی تمام در اشعار خود به کار برده است،استاد ابو النجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی(متوفی 432 ق)1است. نگارنده بر آن است که با توجه به کاربرد این صنعت‏ ادبی در آیات قرآن کریم،منوچهری دامغانی، احتمالا آن را از قرآن کریم و برخی شاعران عرب‏ اقتباس کرده،اما در این اقتباس از خود استادی‏ تمام نشان داده است.

قرآن کریم به عنوان منبعی فیاض وحیانی و قدسی‏ بر آثار شاعران و ادیبان-پارسی تأثیر فراوان گذاشته‏ است.آیات قرآن،صرف نظر از مضامین و معانی‏ بلند و عمیق در هستی‏شناسی،انسان‏شناسی، تاریخ،فقه،عرفان،فلسفه و بسیاری موضوعات‏ علمی دیگر،به خاطر پرداخت ادبی و آهنگین آن از همان آغاز نزول مورد توجه ادیبان و سخن‏شناسان‏ عرب قرار گرفت،تا حدی که عده‏ای از رجال مکه‏ در ابتدا سخن پیامبر را نوعی شعر و پیامبر اکرم‏ (ص)را شاعر دانستند.چنانکه در سورهء انبیا،آیهء 5 آمده است:«بلکه گفتند(آن سخنان)از خوابهای پراکنده و باطل است(بعد گفتند)نه‏ سخن از خود ساخته است(بعد گفتند)نه شاعر است».2قرآن کریم این عقیده را تکذیب کرده در سورهء یس،آیهء 69 فرماید:«و نه ما(محمد ص)را شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب ذکر(الهی)و قرآن روشن(خدا) است.»3

اعراب حجاز با آن سابقه دیرین در شعر و شاعری وقتی آیات زیبا،آهنگین و منظوم قرآن کریم‏ را می‏شنیدند به پیامبر(ص)اتهام شاعری و پیروی‏ از جن و تابعه می‏زدند-مثلا این آیه(آیات 2 و 3) سورهء طلاق را:

و من یتق الله یجعل له فخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب

که مانند بیتی است که در بحر متقارب مثمن‏ سروده شده است(فعولن فعولن فعولن فعل).و آیا این آیهء شریفه را که

لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون

(آل عمران،آیه 92)که مانند شعری در بحر رمل سروده شده است(فاعلاتن،فاعلاتن، فاعلاتن فاعلات).

این چنین بود که علاوه بر تأثیر معانی عمیق و ژرف قرآن کریم بر روح و جان انسانها،صبغهء ادبی‏ و هنری آن نیز مورد توجه و استقبال شاعران و ادیبان‏ مسلمان قرار گرفت و در شعر و نثر عربی و پارسی‏ تأثیر فراوان گذاشت.

در این مقاله نگارنده تنها به یکی از صنایع ادبی‏ پرداخته که از طریق قرآن کریم بر شعر شاعران‏ عرب‏4و پارسی بخصوص در اشعار استاد منوچهری دامغانی تأثیر فراوان گذاشته است.این‏ هنر یا صنعت ادبی را می‏توان واج آرایی،جناس‏ استهلالی یا نغمه و موسیقی حروف نام نهاد.البته‏ این هنر بدیعی بغیر از قرآن کریم در بین شاعران‏ عرب قبل و بعد از اسلام نیز سابقه داشته است و با توجه به آشنایی عمیق منوچهری با شعر شاعران‏ تازی احتمال استفاده و اقتباس وی از ایشان دور نمی‏نماید؛بخصوص که خود در شعری چنین‏ سروده است:«من بسی دیوان شعر تازیان دارم ز بر».

سالها پیش از این پژوهشگری بزرگ به نام دکتر ویکتور الکک در تحقیق گرانسنگی به تأثیر شعر عرب بر شعر منوچهری پرداخته است.5با این‏ همه،احتمال استفادهء منوچهری و شاعران‏ مسلمان از آیات نورانی قرآن کریم همچنان به قوت‏ خود باقی است.

نغمهء حروف یا واج آرایی چیست؟

نغمهء حروف یا واج آرایی که نوعی از صنعت‏ جناس(جناس استهلالی)است،چنان باشد که‏ شاعر یا نویسنده یکی از صامت‏ها را به منظور زیبایی کلام یا شعر تعمدا زیادتر از معمول به کار برد،و یا تعمدا واژه‏هایی را در شعر یا کلام خود به‏ کاربرد که با صامت واحدی شروع می‏شوند.استاد احمد سمیعی دربارهء این هنر نوشته‏اند:«این هنر گاهی به صورت تفوق بارز یکی از صامتها و یا واژه‏هایی با صامت آغازی واحد در مصراع یا بیت‏ خودنمایی می‏کند».6مثلا در این بیت حافظ:

بهای نیم کرشمه هزار جان طلبند نیاز اهل دل و ناز نازنینان بین

حرف«ن»10 بار تکرار شده و چهار کلمهء مصدر به«ن»آمده است،«ز»نیز 4 بار تکرار شده‏ است.یا این بیت حافظ:

زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم‏ ناز بنیاد مکن تا نکنی بنیادم

که در آن«ب»و«د»هر یک 6 بار آمده‏اند.

و نیز در این ابیات از سلمان ساوجی:

یک شب از دیدهء ما نیست خیالت خالی‏ شب رو شب همه شب در پی شب پیمایی است‏7

که در آن«ش»5 بار تکرار شده است.

تو گرد کسی گرد که او گرد تو گردد تو یار کسی باش که او یار تو باشد8

که در آن چهار کلمهء مصدر به«گ»آمده است.

استاد دکتر پرویز ناتل خانلری اصطلاح«نغمهء حروف»را برای این صنعت بکار برده‏9و استاد حسینعلی هروی نیز«نغمهء حروف»را بر«واج آرایی» ترجیح داده‏اند.10آقای مسعود فرزاد از مصححان‏ دیوان حافظ اصطلاح نغمهء حروف یا واج‏آرایی را معادل noitaretillA در زبان انگلیسی‏ دانسته‏اند.11

این صنعت البته انواع دیگری هم دارد و بحث در گونه‏های مختلف آن می‏تواند فصل جذابی را در بدیع فارسی بگشاید.12مثلا گاهی تکرار صامت‏ خاص در شعر یا کلام و گاهی شروع چند واژه با صامت واحد مورد نظر شاعر است و گاهی تکرار نوعی مشخصه متمایز دهندهء دیگری در نظر شاعر یا نویسنده است.مثل تکرار حروف دولبی مانند «م»و«ب»یا تکرار حروف لثوی مثل«ت»و«د»، گاهی تکرار صفت خیشومی(غنه)مانند«م»و«ن» و تکرار بعضی تمایز دهنده‏های دیگر مثل تکرار حروف قریب المخرج مثل«ر»و«ل».بیشتر این‏ انواع در این بیت از حافظ مورد استفاده قرار گرفته‏ است:

جناس استهلالی یا نغمه و موسیقی حروف،بغیر از قرآن‏ کریم،در بین شاعران عرب قبل و بعد از اسلام سابقه داشته است،و با توجه به آشنایی عمیق‏ منوچهری با شعر شاعران تازی، احتمال استفاده و اقتباس وی از ایشان دور نمی‏نماید.

منوچهری دامغانی در مسمط مشهور خزاینه خواسته و توانسته‏ با تکرار تعمدی صامت«ز»صدای‏ وز وز باد پاییزی را در لابلای‏ برگهای زرد درختان به گوش جان‏ خواننده القا کند.

تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزردهء گزند مباد

که در آن علاوه بر 5 بار تکرار«ز»،صنعت‏ خیشومی(غنه)«م»و«ن»9 بار تکرار شده و حروف دولبی«ب»و«م»هفت بار تکرار شده و حروف لثوی«ر»و«ت»10 بار تکرار شده است.

اکنون به چند نمونه از واج آرایی و نغمهء حروف در قرآن کریم و تأثیر آن بر شعر منوچهری دامغانی‏ خواهیم پرداخت.

واج آرایی«ز»سورهء انبیاء،آیهء 87:

و ذالنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی‏ الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من‏ الظالمین

.این آیه که از آیات مشهور قرآن کریم‏ است و در رکعت اول نماز غفلیه نیز خوانده‏ می‏شود،دربارهء حضرت یونس(ع)و گرفتار شدن‏ او در شکم ماهی نازل شده است.یعنی«یاد کن(ای محمد)آن مرد ماهی را که خشمگین برفت‏ و پنداشت که ما بر او قادر نیستیم(ندانست که ما بر او چه تقدیر کرده‏ایم)پس در تاریکی شب بانگ‏ برگرفت(در دریا و در دل ماهی)که نیست خدایی‏ جز تو خدای یگانه،پاکی تو،من از ستمکارانم».13در این آیه صامت z 7 بار و«ن» 16 بار تکرار شده است.

سالها قبل پژوهشگری در یک تحقیق علمی‏ دربارهء صدای ماهیان نشان داده صدای ماهیان شبیه‏ صدای«ز»و نزدیک به آن است.تکرار زیبا و مطنطن«ز»در آیهء شریفه،علاوه بر ذکر داستان‏ ذوالنون پیامبر در شکم ماهی فضای حاکم بر محل‏ وقوع آیه را نیز در ذهن شنونده تصویر می‏کند.

استاد منوچهری دامغانی در مسمط مشهور خزانیه،خواسته و توانسته با تکرار تعمدی‏ صامت«ز»صدای وز وز باد پاییزی را در لابلای‏ برگهای زرد درختان به گوش جان خواننده القاء کند:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است‏ باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزانست که بر شاخ رزانست‏ گویی به مثل پیرهن رنگرزان است

دهقان به تعجب سرانگشت گزان است‏ کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار14

«ز»در این بند 10 بار تکرار شده است.علاوه بر آن،در بیت اول 5 واژهء مصدر به«خ»تکرار شده‏ (خیزید،خز،خزان،خنک،خوارزم)که صدا و احساس خش خش برگهای خشکیدهء درختان را در زیر پای عابران در فصل پاییز در ذهن و جان‏ خواننده زنده می‏کند.علاوه بر اینها 8 بار تکرار «گ»نیز در این بند جالب توجه است.

البته به غیر از واج آرایی یا جناس استهلالی انواع‏ دیگری از صنعت جناس در این اشعار به کار رفته‏ است،مثل جناس لاحق در خز و خیز و جناس‏ زائد در خز و خزان و جناس شبه اشتقاق در خیزید و خزان که فعلا در این گفتار جای بحث همهء آنها نیست.

منوچهری دامغانی در مسمط دیگری که در تهنیت عید و مدح وزیر سلطان مسعود سروده با کاربرد صامت«ز»هنر واج‏آرایی خود را به اوج‏ رسانده است:

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز

بر زن غزلی،نغز و دل‏انگیز و دل افروز ور نیست ترا بشنو و از مرغ بیاموز

کاین فاخته زین گوز و دگر فاخته زان گوز بر قافیه خوب همی خواند اشعار15

«ز»در این بند مسمط 18 بار تکرار شده است.

به نظر نگارنده سطور،استاد منوچهری دامغانی‏ این چنین تکرار آهنگین«ز»را از آیات قرآن کریم‏ اقتباس کرده است.آیاتی مثل این کریمهء سوره‏ انعام:

و لا تزر وازرة وزر اخری

،آیهء 164».

واج آرایی«س»

در آیات سورهء ناس تکرار زیبای«س»قابل توجه‏ است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم،قل اعوذ برب‏ الناس،ملک الناس،اله الناس،من شر الوسواس‏ الخناس،الذی یوسوس فی صدور الناس،من‏ الجنة و الناس

.صدای S در این سوره 12 بار(11 بار س+یک بار ص)تکرار شده است.مفسر فقید قرآن آیت الله سید محمود طالقانی(م.1359 ش) دربارهء طنین«س»در تصویرگری فضای حاکم بر آیات نوشته است:«امواج حرکات و سکنات‏ متنوع،صدای برخورد نون مشدد و طنین سین که در فصول این آیات آمده،جوی از برخورد و معرکه‏ای را می‏نمایاند که میان نیروهای خیر و شر در میدان‏ نفس انسانی در گرفته است و حرکات صوتی و هیأت فعل یوسوس ادامهء این معرکه را اعلام‏ می‏نماید.معرکه‏ای که جن و انس را در برابر صفات رب به میدان میکشد.

من الجنة و الناس»

.16

واج آرایی«س»در دیوان منوچهری فراوان است. مثل این ابیات از قصیدهء بهاریهء او:

نوبهار آمد و آورد گل و یاسمنا باغ همچون تبت و راغ بسان عدنا

آسمان خیمه زد از بیرم دیبای کبود میخ آن خیمه ستاک سمن و نسترنا

سمن سرخ بسان دو لب طوطی نر که زبانش بود از زر زده در دَهنا

ثوب عتابی گشته سلب توس قزح‏ سُندس رومی گشته سلب یاسمنا17

در این ابیات علاوه بر تکرار 16 بار«س»،

هشت واژه مصدر به«س»به کار رفته است.

[ستاک،سمن 2 بار،ثوب،سلب 2 بار، سندس‏]

یا در این ابیات در وصف خزان و مدح سلطان‏ مسعود غزنوی:

دخترکان بیست بیست خفته به هر سو پهلو بنهاده بیست بیست به پهلو

گیسو در بسته بیست بیست به گیسو گیسوشان سبز و گیسو از بر زانو

هر یکی از ساعدین مادر و بازو خویشتن به اکحل و قیقال‏18

[س‏]14 بار تکرار شده است.

واج آرایی(ق)و(ع):

در آیات سورهء فلق صامت‏[ق‏]هفت بار تکرار شده است.این در حالیست که‏[ق‏]از حروف کم‏ بسامد در عربی و فارسی است:

«قل اعوذ برب‏ الفلق،من شر ما خلق،و من شر غاسق اذا وقب، و من شر النفاسات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد»

در سورهء مبارکهء«ق»نیز 56 بار فقط حرف‏ «ق»تکرار شده است.مثلا در این آیات:

«ق و القرآن المجید»

آیه 1 و

اذ یتلقی المتلقیان عن‏ الیمین و عن الشمال قعید»

آیه 17 سوره ق، منوچهری دامغانی نیز در ابیات زیر از یکی از مسمطهای خود صامت«ق»[ق‏]را 6 بار تکرار کرده است.

گذری گیر از آن پس به سوی لاله‏ستان‏ طوطیان بین همه منقار به بر خفته ستان

هر یکی همچون یکی جام در او غالیه دان‏ بالش غالیه دانش را میلی به میان

میل آن غالیه پر غالیه دان‏ زین نشان هر چه بیابی به من آور یکبار19

و در این بیت:

مرغ در باغ چو معشوقهء سرکش گشته است‏ که ملک را سزد ار وی بدهد جام عقار20

و در این بیت:

هر سرخ گل از بید جناغی دارد هر قمر یکی قصد به باغی دارد21

در نمونه‏ای از حافظ شیرازی:

مقام امن و می بیغش و رفیق شفیق‏ گرت مدام میسر شود زهی توفیق

که در آن حروف کم بسامد«غ»و«ق»5 بار آمده،و چهار کلمهء مصدر به«م»و 5 بار تکرار«م» جلب نظر می‏کند.22

واج آرایی«ع»4

نمونه در قرآن کریم:

اذا سألک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان

(بقره،آیهء 186)یعنی«چون‏ بندگان،مرا از تو پرسند،من نزدیکم و خواندن‏ آنانرا پاسخ می‏گویم،هر گاه که مرا می‏خوانند».23

در این آیه که علامه سید محمد حسین طباطبایی‏ در«تفسیر المیزان»از آن به«الطف الآیات»یعنی‏ لطیف‏ترین آیات قرآن کریم یاد کرده است،حرف‏ کم بسامد«ع»5 بار آمده است.

نمونه در دیوان منوچهری:

روح رؤسا ابو ربیع بن ربیع‏ او سخت بدیع و کار او سخت بدیع

چون او به جهان در نه شریف و نه وضیع‏ زیرا که شریفست و لطیفست و منیع‏24

حرف«ع»6 بار آمده است.

واج آرایی حرف«ک»و«م»4

نمونه در قرآن کریم:

و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین

(آل‏ عمران،آیهء 54)

و کذلک زین للکافرین ما کانوا یعملون و کذلک‏ جعلنا فی کل قریه اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون الا بأنفسهم

(انعام،آیات 122 و 123) در آیهء اخیر«ک»10 بار آمده است.

مثال از منوچهری دامغانی در واج آرایی«ک»و «م»:

ملکی کش ملکان بوسه به اکلیل زنند میخ دیوار سراپرده به صد میل زنند

ملکی کو ملکان را سرمایه شکند لشکر چین و چگل را به طلایه شکند

چون ملک با ملکان مجلس می کرده بود پیش او بیست هزاران بت نو برده بود25

«ک»ده بار و«م»11 بار تکرار شده و ده واژهء مصدر به«م»آمده است.

نمونه از قرآن کریم:

کلا اذا دکت الارض دکا دکا

(فجر،آیهء 21).«ک»هفت بار آمده است.

مثال از منوچهری در واج آرایی«ک»:

آمد آنگاه چنانچون متکبر ملکی‏ تا ببیند که چه بودست به هر کودککی‏26

«ک»6 بار تکرار شده است.

واج آرایی حرف«ن»4

نمونه در قرآن کریم:

ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم‏ تغفرلنا و ترحمنا لنکونن من الخاسرین

(اعراف،آیهء 23)

«ن»13 بار در این آیهء شریفه بکار رفته است.

مثال از منوچهری دامغانی:

سندس رومی در نار و نان پوشاندند خرمن مینا بر بید بنان افشاندند

زند وافان بهی زند زبرجر خواندند بلبلان وقت سحر زیر و دهان جنباندند27

در این دو بیت«ن»22 بار آمده است

پی‏نوشت:

(1)-برای شرح احوال و آثار منوچهری بنگرید به:سدید الدین‏ محمد عوفی بخاری حنفی،لباب الالباب،به تصحیح علامه محمد قزوینی و ادوارد بروان،به اهتمام سعید نفیسی،تهران،1325 ش.

(2)-ترجمهء بیشتر در آیات در این مقاله از این کتاب برگرفته شده‏ است:خلاصهء تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از کشف الاسرار اثر خواجه عبد الله انصاری،تألیف امام احمد میبدی،به کوشش‏ حبیب الله آموزگار،چاپ سوم،تهران،1360،ج 2،ص 59.

(3)-قرآن کریم،با ترجمهء مهدی الهی قمشه‏ای تهران،چاپخانهء سپهر،1368.

(4)-برای مطالعه نمونه‏هایی از واج آرایی در شعر عرب می‏توان به‏ این کتاب رجوع کرد:برگزیدهء الاغانی،جلد اول،تألیف ابو الفرج‏ اصفهانی،ترجمه،تلخیص و شرح از دکتر محمد حسین مشایخ‏ فریدنی،تهران چاپ اول،1368.

(5)-الکک،ویکتور،نفوذ زبان و ادبیات عرب در اشعار منوچهری‏ دامغانی،پایان نامهء دکترا،دانشگاه تهران،دانشکدهء ادبیات و علوم‏ انسانی،1342،204 ص.

(6)-سمیعی،احمد«کلام و پیام حافظ»،(مندرج در)برگزیدهء مقاله‏های نشر دانش دربارهء حافظ،تهران،مرکز نشر دانشگاهی، 1365،ص 41.

(7)-دیوان سلمان ساوجی،با مقدمهء دکتر تقی تفضلی،به اهتمام‏ منصور مشفق،تهران،چاپ دوم،1367،ص 77.

(8)-دیوان سلمان ساوجی(پیش گفته)،ص 103.

(9)و(10)-هروی،حسینعلی،«نظری به«کلام و پیام حافظ»[نقد مقالهء احمد سمیعی‏]»،مندرج در برگزید مقاله‏های نشر دانش دربارهء حافظ،تهران،1365،ص 98.

(11)-همان،ص 98.

(12)-هروی،حسینعلی،نقد و نظر دربارهء حافظ،تهران، 1363،ص 71.

(13)-خلاصهء تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید(پیش گفته)،ص‏ 77.

(14)-دیوان منوچهری دامغانی،بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران،چاپ سوم،1347،ص 147.

(15)-دیوان منوچهری دامغانی(پیش گفته)،ص 174.

(16)-طالقانی،سید محمود،پرتوی از قرآن،تهران، 1348 ش،قسمت دوم،از جلد آخر(جزء سی‏ام)،ص 319.

(17)-دیوان منوچهری دامغانی،ص 1-2.

(18)-دیوان منوچهری دامغانی،ص 164.

(19)-همان،ص 194.

(20)-همان،ص 196.

(21)-همان،ص 183.

(22)-سمیعی،احمد،کلام و پیام حافظ(پیش گفته)،ص 42.

(23)-تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید(پیش گفته)،ج 1،ص‏ 75.

(24)-دیوان منوچهری دامغانی،ص 184.

(25)-همان،ص 190.

(26)-همان،ص 161.

(27)-همان،ص 186.